

مقاله پژوهشی

بررسی مؤلفه‌های گفتمان‌مدار در مربع ایدئولوژیک خطبه عربی جمعه نصر و مقایسه آن با سخنرانی رهبران سه کشور منطقه

عبدالباسط عرب یوسف آبادی^۱، مسلم فتح‌اللهی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۴

چکیده: ارزیابی سطوح گوناگون گفتمان، امکان دستیابی به برداشتی جدید از آن را فراهم می‌نماید و تعاملات زبان با ساختارهای ایدئولوژیک را کشف می‌کند. از آن‌جاکه مهم‌ترین شرط بازتولید هویت ملی دسترسی به گفتمان‌هایی است که باعث هژمونی هویت می‌گردد؛ بنابراین خطبه‌های سیاسی رهبران دینی می‌تواند نقش مهمی در شناخت این مهم داشته‌باشد. ون‌دایک که ایدئولوژی را بنیانی برای بازنمایی‌های اجتماعی مشترک می‌داند، مدلی را برای تحلیل انتقادی گفتمان ارائه نمود که می‌تواند چارچوبی مناسب برای بررسی بازتولید هویت در خطبه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی باشد. هدف از پژوهش حاضر کشف مؤلفه‌های گفتمان‌مدار خطبه عربی جمعه نصر و مقایسه آن با سخنرانی‌های رهبران ترکیه، عراق و سوریه است. یافته‌های این پژوهش کیفی و پیکره‌بنیاد بر روی متن پیاده‌سازی شده عربی و انگلیسی سخنرانی‌ها نشان داد که برجسته‌سازی نکات مثبت خود و حاشیه‌رانی نکات مثبت دیگری سهم عظیمی از گفتمان خطبه عربی جمعه نصر را به خود اختصاص داده و همچنین سطح معنی و ساخت گزاره‌ای برجسته‌ترین سطح گفتمانی این خطبه است. مقایسه محتوای خطبه عربی جمعه نصر با سخنرانی‌های رهبران سه کشور منطقه درباره بحران سیاسی منطقه، سید حسن نصرالله و محور مقاومت گویای آن است که به رغم همسویی رهبران منطقه با مواضع رهبر معظم انقلاب، بسیاری از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار و ظرایف زبانی موجود زیرساخت و روساخت خطبه نصر رهبری به ویژه گفتمان امیدبخش آن در سخنان دیگر رهبران منطقه دیده نمی‌شود.

واژگان اصلی: تحلیل گفتمان انتقادی، ون‌دایک، خطبه عربی جمعه نصر، سید حسن نصرالله

^۱استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه زابل، زابل، ایران. arabighalam@uoz.ac.ir

^۲استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه زابل، زابل، ایران. m.fatollahi@uoz.ac.ir

۱. مقدمه

تحلیل گفتمان انتقادی روشی است که به ما کمک می‌کند تا در زیرلایه‌های معنایی و ساختاری متن‌ها نفوذ کنیم و قدرت و ایدئولوژی نهفته در آن‌ها را آشکار سازیم. به عبارت ساده‌تر، این روش به ما نشان می‌دهد که چگونه زبان و گفتار می‌تواند به ابزاری برای اعمال قدرت و شکل‌دهی به باورها و ارزش‌های اجتماعی تبدیل شود. خطبه‌های سیاسی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتباطی سیاستمداران، جایگاه ویژه‌ای در این نوع تحلیل‌ها دارند. این متون نه تنها حاوی اطلاعات و داده‌ها هستند، بلکه به دنبال شکل‌دهی به افکار عمومی، توجیه تصمیمات سیاسی، و ایجاد همبستگی در بین گروه‌های اجتماعی هستند.

یکی از ابعاد اهمیت خطبه‌های سیاسی آن است که با تحلیل گفتمان خطبه‌ها می‌توانیم به ایدئولوژی‌های حاکم بر یک جامعه پی ببریم و ببینیم چگونه این ایدئولوژی‌ها در زبان و گفتار تجلی می‌یابند. تحلیل زبان و محتوای خطبه‌ها می‌تواند نشان دهد که چگونه ایدئولوژی‌های مذهبی در بیان‌گوینده تجلی می‌یابند و چگونه این ایدئولوژی‌ها بر رفتار و نگرش‌های جامعه تأثیر می‌گذارند در بسیاری از جوامع، خطبه‌ها به عنوان ابزاری برای بیان مواضع سیاسی و اجتماعی استفاده می‌شوند. تحلیل گفتمان می‌تواند به شناسایی نحوه استفاده از زبان برای ترویج ایدئولوژی‌های سیاسی، ایجاد هویت جمعی، و مشروعیت‌بخشی به قدرت حاکم کمک کند. همچنین خطبه‌ها می‌توانند به بررسی مسائل اجتماعی، مانند حقوق بشر، عدالت اجتماعی، و مسائل اقتصادی بپردازند. تحلیل این متون می‌تواند نشان دهد که چگونه ایدئولوژی‌های اجتماعی در زبان و گفتار گوینده تجلی می‌یابند و چگونه این ایدئولوژی‌ها بر رفتار و نگرش‌های جامعه تأثیر می‌گذارند.

۱-۱ اهمیت پژوهش

اهمیت پژوهش جاری در آن است که میزان تطابق و همسویی میان مولفه‌های گفتمانی زیرساخت و روساخت خطبه نصر رهبری را بررسی می‌کند. این پژوهش به ما کمک می‌کند به تصویری روشن از زیرساخت گفتمانی رهبر انقلاب بر اساس مربع ایدئولوژیک ون‌دایک دست یابیم و شیوه به‌کارگیری عناصر صوری و معنایی در روساخت خطبه در راستای تعمیق و تحکیم گفتمان محور مقاومت را دریابیم. افزون بر این، پژوهش جاری به درک کارآیی

چارچوب ون‌دایک در تحلیل انتقادی گفتمان سخنرانی‌های سیاسی و خطبه‌ها کمک خواهد کرد.

خطبه‌های سیاسی رهبر انقلاب اسلامی از ویژگی‌های بارزی برخوردارند که شامل صراحت و صداقت در بیان، تأکید بر عدالت و حساسیت به مسائل اجتماعی و سیاسی می‌شود. این خطبه‌ها به‌طور معمول به مباحث مهم داخلی و خارجی می‌پردازند و نظرات و مواضع راهبردی جمهوری اسلامی را منتقل می‌کنند. در موارد بحرانی، این خطبه‌ها می‌توانند به رفع ابهامات و تأکید بر وحدت و همبستگی جامعه بپردازند. رهبر انقلاب اغلب از زبان‌های مختلف، مانند عربی، در تحلیل‌های خود استفاده می‌کند و بر الگوهای بیداری اسلامی و تشویق به تداوم این حرکت‌ها تمرکز دارند. جمعه ۱۳ مهر ۱۴۰۳ به عنوان جمعه نصر در تاریخ ایران ثبت شد؛ رهبر انقلاب در این نماز عبادی-سیاسی خطبه‌ای به زبان عربی ایراد نمودند که مفاهیم مطرح‌شده در آن، ذهن تمام مردم دنیا را به سمت خود جلب کرد. ایشان در این خطبه به یاد و گرامیداشت شخصیت برجسته سید حسن نصرالله، رهبر حزب الله و تأثیر او بر مقاومت و مردم لبنان و فلسطین پرداختند و برای مخاطبان مسلمان از جمله لبنانی‌ها و فلسطینی‌ها پیام‌هایی از امید و مقاومت ارائه دادند و بر اهمیت ادامه راه نصرالله و تقویت اتحاد در برابر دشمن تأکید نمودند.

۱-۲ هدف پژوهش

در این پژوهش تلاش می‌شود تا خطبه عربی جمعه نصر بر اساس الگوی تحلیل گفتمان ون‌دایک مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد و چند سخنرانی از رهبران و افراد برجسته سیاسی کشورهای مختلف نیز که هم‌راستا با مضمون این خطبه است جمع‌آوری شود و با محورهای گفتمانی این خطبه مقایسه و تطبیق گردد و سنجیده شود که این سخنان تا چه میزان با منظومه فکری انقلاب اسلامی همسو است. برای رسیدن به این هدف تلاش می‌شود به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

- خطبه عربی جمعه نصر تا چه میزان توانسته هویت «خود» را برجسته‌سازی نماید و هویت «دیگری» را به حاشیه براند؟
- کدام یک از سطوح گفتمانی ون‌دایک، در برجسته‌سازی و به حاشیه‌راندن گفتمان این خطبه مؤثرتر بوده است؟

- سخنان رهبران سیاسی منطقه تا چه میزان با ساختار گفتمانی خطبه عربی جمعه نصر همخوانی دارد؟

۳-۱ پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های بسیاری عمدتاً با رویکرد تحلیل گفتمان بر روی خطبه‌های شخصیت‌های سیاسی و مذهبی انجام شده است. روشنفکر و اکبری‌زاده (۱۳۹۰) با تحلیل گفتمان انتقادی خطبه فدک کوشیدند با عبور از دال و رسیدن به مدلول کلام، فحوای خطبه فدک را رمزگشایی و معنی‌یابی کنند. یافته‌های این پژوهش نشان داد موارد قابل مشاهده در تحلیل گفتمان انتقادی خطبه، دغدغه اصلی حضرت زهرا (س) در هشدار نسبت به ایدئولوژی حاکم و تغییر و تحولات جامعه اسلامی است که نابودی میراث ایمانی-اسلامی نبوی را هدف گرفته است. وجه اشتراک این پژوهش با مطالعه جاری، فحوای ظلم‌ستیزانه هر دو خطبه فدک و جمعه نصر است.

قهرمانی و بیدار (۱۳۹۹) خطبه امام علی(ع) در جریان بیعت عمومی را با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی بررسی کردند. یافته‌های این پژوهش نشان داد امیرمؤمنان(ع) محور خطبه‌های خویش را بازتولید گفتمان حق در مقابل باطل قرار داده و با به‌کارگیری ساختار ایدئولوژیک که در پیش‌زمینه ذهنی مخاطبان وجود دارد، علاوه بر انتقاد از گفتمان‌های پیشین کوشیده‌اند نظم گفتمانی نوینی را پی‌ریزی نماید. وجه اشتراک خطبه امام علی(ع) و خطبه جمعه نصر، نگاه انتقادی هر دو خطبه نسبت به گفتمان‌های پیش از خود است.

خاکپور و لطفی (۱۳۹۸) خطبه انتقادی امام حسن(ع) پس از رحلت پیامبر را بر اساس رویکرد فرکلاف بررسی کردند. هدف از پژوهش آنان، توصیف، تفسیر و تبیین گفتمان امام(ع) در خطبه مذکور بود. نتایج نشان داد خطبه امام دوم شیعیان در راستای اثبات امامت و جانشینی بعد از رسول خدا، شکوه از حق تضییع‌شده حضرت علی(ع)، ذکر فضایل امیرالمومنین و روشنگری و برانگیختن افکار عمومی برای حمایت از ایشان بوده است. خطبه امام حسن نیز همچون خطبه جمعه نصر در راستای روشنگری و تهییج جامعه به قیام علیه ظالم بوده است.

مکی، عبدالحی و سیدی (۱۴۰۲) خطبه دمشقیه امام سجاد(ع) را بر اساس رویکرد فرکلاف تحلیل انتقادی کردند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که این خطبه از نظر روابط

معنایی، عبارت‌بندی‌ها، بار ایدئولوژیک و ارزش استعاری واژگان، وجوه امری و خبری، معلوم و مجهولی افعال و تأکید و غیره متناسب با بافت و هدف خطابه‌گویی است. روابط بینامتنی این خطبه با قرآن و مناظرات امیرمؤمنان(ع) و امام مجتبی(ع) با معاویه نیز مشهود است. در بخش تبیین نیز تأثیرگذاری کلام امام سجاد بر جو حاکم و تغییر آن با شواهد تاریخی و مستند نشان داده شد. وجه تشابه اصلی این خطبه با خطبه جمعه نصر، غنا و تنوع زبانی هر دو خطبه است.

نجفی ایوکی، محمودی و صیادی‌نژاد (۱۴۰۲) خطبه ۱۰۸ نهج‌البلاغه را بر اساس مربع ایدئولوژیک ون‌دایک بررسی کردند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که همه تلاش خطیب از برجسته‌سازی‌ها و حاشیه‌رانی‌ها، به تحقق این ایدئولوژی پنهان بوده که امام علی(ع) و پیامبر(ص)، بر حق‌اند و حکومتشان نیز، نماد درستی و حاکمیت حق است. در مقابل، بنی‌امیه باطل و ناحق‌اند و زمامداری‌شان نیز، نماد حاکمیت ناراستی و باطل است. وجه تشابه این پژوهش با مطالعه جاری، بهره‌گیری از رویکرد ون‌دایک است.

زودرنج و اربطی‌مقدم (۱۴۰۱) از رویکرد فرکلاف در تحلیل گفتمان انتقادی خطبه شقشقیه نهج‌البلاغه بهره گرفتند. یافته‌های این پژوهش نشان داد امام علی(ع) در این خطبه سعی در تشریح علم و آگاهی خویش، بی‌علاقگی خود به خلافت ناعادلانه و بیان صفات رذیله ناکثین، قاسطین و مارقین داشته‌اند. ایشان همچنین با تبیین مسایل تاریخی خلافت، کوشیده‌اند ضمن جلوگیری از به قدرت رسیدن مجدد ایدئولوژی انحرافی، زمینه بازتولید گفتمان اصیل اسلامی را فراهم نمایند. وجه اشتراک خطبه شقشقیه و خطبه نصر، تلاش برای بازتولید گفتمان اصیل اسلامی است که این گفتمان در خطبه جمعه نصر، حمایت از جبهه مقاومت است.

موسوی بفروئی، زارع زردینی، زارعی محمودآبادی و اثنی‌عشری (۱۳۹۹) مبانی سیاست-ورزی امام علی(ع) را در خطبه ۶۴ نهج‌البلاغه با رویکرد فرکلاف بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که معاویه در نامه خود تحت عنوان خلیفه با استفاده ابزاری از برخی رویدادها، سعی کرده از حکومت امام علی(ع) مشروعیت‌زدایی کند و به حکومت خود مشروعیت دهد و امام(ع) در مقابل، ابتدا توطئه‌های معاویه را خنثی کرده و سپس بر

محورهای اصیل و محدود مشروعیت تکیه کرده‌اند. وجه اشتراک این خطبه با خطبه جمعه نصر، تبیین جبهه‌بندی میان حق و باطل است.

ملایم و بشیر (۱۴۰۲) خطبه توحیدیه امام رضا(ع) را با استفاده از رویکرد روش عملیاتی تحلیل گفتمان (پدام) بررسی کردند. هدف این پژوهش، واکاوی سبک کلامی امام در ارائه مفاهیم توحیدی و یافتن لایه‌های پنهان معنایی خطبه و استنتاج گفتمان حاکم بر خطبه بود. نتایج نشان داد که پیوستگی و انسجام عبارات، کاربرد واژگان آشنا و متداول، ظرافت در نظم و چیدمان واژگان و کاربرد واژگان و تعبیر آهنگین موجب شیوایی سبک بیان خطبه شده است. وجه اشتراک این خطبه با خطبه جمعه نصر، تنوع واژگانی هنرمندانه در هر دو خطبه است.

۱- روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ رویکرد کیفی و از حیث روش گردآوری داده، پژوهشی کتابخانه‌ای و پیکره‌بنیاد است. روش گردآوری داده این‌گونه بود که نسخه عربی پیاده‌سازی شده خطبه جمعه نصر رهبر انقلاب و نیز نسخه انگلیسی پیاده‌سازی شده سخنرانی سه رهبر سیاسی منطقه در ارتباط با بحران جاری منطقه مورد تحلیل متنی قرار گرفت. برای گردآوری داده از چارچوب ون‌دایک بهره بردیم و همه عناصر زبانی خطبه نصر و سخنرانی‌های رهبران سیاسی منطقه که در زیرساخت یا روساخت گفتمانی رویکرد ون‌دایک قرار می‌گرفتند شناسایی و دسته‌بندی شدند. در این پژوهش از تحلیل محتوا برای واکاوی داده‌ها بهره گرفتیم. تحلیل محتوا، واکاوی نظام‌مند محتوا برای استخراج مضامین و الگوهای معنادار از داده‌ها است. اهداف اولیه تحلیل محتوا در تحقیقات کیفی شامل درک و تفسیر معانی و تفاوت‌های بنیادین داده‌ها؛ شناسایی الگوها، مضامین و مفاهیم تکرارشونده، تحلیل داده‌ها در بافت اجتماعی، فرهنگی یا تاریخی؛ بررسی اعتبار یا تعمیم‌پذیری نظریه‌های موجود، جمع‌بندی و ترکیب داده‌ها و شناسایی سوگیری‌های تبلیغاتی و ارتباطی است (کرپندورف، ۲۰۰۴: ۳۳). در پژوهش جاری، تحلیل محتوا بر مبنای چارچوب تحلیل انتقادی گفتمان ون‌دایک انجام می‌شود و هدف آن، درک و تفسیر معانی و شناسایی مضامین و مفاهیم تکرارشونده در خطبه جمعه نصر است.

۲- یافته‌های پژوهش

۱-۳ زیرساخت خطبه عربی رهبر انقلاب

برجسته‌ترین تلاشی که خطبه مورد بحث می‌تواند داشته باشد؛ ثبت ایدئولوژی خاص از شهید سید حسن نصرالله است تا در راستای هژمونی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جبهه مقاومت قرار گیرد. نقش هویت مقاومت پررنگ‌ترین نقش در طرح این خطبه است. تحلیل گفتمان انتقادی برای درک این مسأله وارد عرصه می‌شود و «چرایی تولید متن را در ارتباط با عوامل جامعه‌شناختی، تاریخی و اجتماعی توضیح می‌دهد (مکدونیل، ۲۰۰۱: ۱۱)، سپس تحلیل از سطح توصیف متن خطبه به سطح تبیین ارتقا می‌یابد و «از لحاظ محدوده تحقیق نیز گستره تحلیل به سطح کلان، یعنی جامعه، تاریخ و ایدئولوژی وسعت می‌یابد. بدین شکل نظامی از برجسته‌سازی‌ها و حاشیه‌رانی‌ها به وجود می‌آید.

برجسته‌سازی نکات مثبت خود: خطبه عربی جمعه نصر روشن‌ترین توضیح برای هویت سید حسن نصرالله و نقش آن در هویت‌سازی جبهه مقاومت است. برای تحقق این هدف تلاش فراوانی می‌شود تا نکات مثبت هویت خود (سید حسن نصرالله، جبهه مقاومت و انقلاب اسلامی) برجسته‌سازی شود. نمونه‌مثال‌های زیر در راستای تحقق این هدف است:

«حزب الله هو حقا شجرة طيبة، حزب الله وقائده الشهيد البطل هو عصاره فضائل لبنان في تاريخه وهويته»؛ ترجمه: حزب الله واقعاً درخت طيبة است. حزب الله و رهبرش، شهید قهرمان، عصاره فضایل تاریخی و هویتی لبنان است.

«حزب الله والسيد الشهيد بدفاعهم عن غزة، وجهادهم من أجل المسجد الأقصى، وإنزالهم الضربة بالكيان الغاصب والظالم، قد خطوا خطوة في سبيل خدمه مصيره للمنطقة بأكملها، والعالم الإسلامي كله»؛ ترجمه: حزب الله و سید شهید با دفاع از غزه و جهاد برای مسجد الاقصی و ضربه زدن به رژیم غاصب و ظالم، گامی در جهت خدمت به سرنوشت منطقه و جهان اسلام برداشته‌اند.

«كان كل واحد منهم من أعمدة الثورة على المستوى المحلي أو الوطني، ولم يكن فقدانهم هيناً، لكن مسيرة الثورة لم تتوقف ولم تتراجع، بل تسارعت»؛ ترجمه: هر یک از آنها از ارکان

انقلاب در سطح محلی یا ملی بودند و فقدان آن‌ها آسان نبود، اما مسیر انقلاب نه تنها متوقف نشد و عقب‌نشینی نکرد، بلکه تسریع نیز یافت.

نمونه‌های برجسته‌سازی نکات مثبت خود در سخنرانی‌های دیگر رهبران منطقه نیز به چشم می‌آید. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

سخنرانی یشار اسد:

حداقل کاری که ما می‌توانیم انجام دهیم توقف هرگونه مناسبات سیاسی با این رژیم است (تاکید بر توانایی کشورهای اسلامی در اعمال فشار بر رژیم صهیونیستی)

تلاش‌های سیاسی ما باید همگام با ارسال کمک‌های فوری به غزه باشد (تاکید بر توانایی کشورهای اسلامی در انجام اقدامات مشترک در حمایت از محور مقاومت)

سخنرانی رجب طیب اردوغان:

مقاومت مشروع فلسطینیان در برابر اشغالگران، شرافتمندانه و قهرمانانه است (تاکید بر حقانیت جبهه مقاومت)

به برادران فلسطینی‌ام که جانشان را فدای دفاع از وطن خویش می‌کنند درود می‌فرستم (اشاره به رشادت و وطن‌دوستی مبارزان فلسطینی)

سخنرانی فواد معصوم:

روز جهانی همبستگی با فلسطین بیانگر تعهد جامعه بین‌المللی به حقوق برحق مردم فلسطین و مبارزه برحق آنان برای تعیین حاکمیت خود است (تاکید بر حقانیت مردم فلسطین و مبارزه آنان)

دولت عراق همواره از مردم فلسطین و مبارزه برحق آنان برای دستیابی به حقوق مشروع خود حمایت کرده است (رسالت دولت‌های مسلمان در حمایت از مردم مظلوم فلسطین)

برجسته‌سازی نکات منفی دیگری: در این خطبه از ساختارهایی استفاده می‌شود که به صورت مستقیم یا ضمنی، نکات منفی هویت دیگری برجسته‌سازی می‌شود؛ به عنوان مثال:

«فَالْكِیَانُ لَیْسَ إِلَّا تِلْكَ الشَّجَرَةُ الْخَبِیْثَةُ الَّتِیْ أُجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ، وَقَدْ صَدَقَ قَوْلُهُ تَعَالَى: مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ»؛ ترجمه: رژیم صهیونیستی همان درخت خبیثی است که از روی زمین کنده شده است و این فرموده خداوند متعال راست است که هیچ قرار و ثباتی ندارد.

«هذا الكيانُ الخبيث، بلا جذور، ومزيفٌ ومتزعزع، وقد أبقي نفسه قائماً بصعوبةٍ عبرَ ضخ أمريكا الدعم له، ولن يُكتبَ له البقاءُ بإذن الله تعالى»؛ ترجمه: این رژیم خبیث، بدون ریشه، تقلبی و ناپایدار است و با زحمت از طریق حمایت‌های گسترده آمریکا توانسته است به حیات خود ادامه دهد، اما به لطف خداوند تعالی، بقا برای آن نوشته نخواهد شد.

«وقد مُنِيَ بالهزيمة في مواجهة بضعة آلاف من المكافحين والمجاهدين في سبيل الله المحاصرين الممنوعين من أي مساعدة خارجية»؛ ترجمه: این رژیم در برابر چند هزار نفر از مبارزان و مجاهدان راه خدا که محاصره شده بودند و از هرگونه کمک خارجی محروم بودند، شکست خورد.

«إن العصابة الصهيونية المجرمة أنفُسَهُم قد توصلوا أيضاً إلى هذه النتيجة وهي أنهم لن يحققوا النصر أبداً على حماس وحزب الله»؛ ترجمه: گروه صهیونیستی جنایتکار به این نتیجه رسیده‌اند که هرگز نمی‌توانند بر حماس و حزب‌الله پیروز شوند. نمونه‌هایی از برجسته‌سازی نقاط منفی دیگری در کلام دیگر رهبران منطقه نیز دیده می‌شود. به مثال‌های زیر توجه کنید:

سخنرانی بشار اسد:

تجاوز اخیر رژیم صهیونیستی آخرین مورد از تجاوزات دامنه‌دار این رژیم در ۷۵ سال گذشته است (تاکید بر تجاوزگری مستمر رژیم صهیونیستی)
نتیجه اجتناب‌ناپذیر این روند آن بوده که رژیم صهیونیستی روز به روز بر دامنه تجاوزات خود افزوده است (تاکید بر خوی تجاوزگری صهیونیست‌ها)
اردوغان:

چهل و یک هزار نفر بیرحمانه کشته شده‌اند که بیشتر آنان زن و کودک بودند (خوی درندگی رژیم صهیونیستی)

بیش از صد هزار نفر مجروح و معلول شده‌اند. (خوی درندگی رژیم صهیونیستی)
این روز مصادف با پنجاهمین سالروز تجاوز اسرائیل به کشورهای عرب منطقه است (استمرار خوی تجاوزگری صهیونیست‌ها)

این شرایط نتیجه بی‌توجهی اسرائیل به قطعنامه‌های بین‌المللی و ادامه حملات ویرانگر به غزه است (بی‌توجهی به قوانین بین‌المللی)

حاشیه‌رانی نکات منفی خود: در نظام گفتمانی خطبهٔ جمعهٔ نصر نکات منفی خود به حاشیه رانده شده است. به بیان دقیق‌تر، مواردی که شاید در ظاهر و در تبلیغات دشمنان به عنوان شکست جبهه مقاومت تعبیر شده در خطبه رهبری کم‌اهمیت و غیراساسی و در حقیقت مقدمه پیروزی‌های بعدی تلقی گردیده است. برای نمونه، رهبری درباره فقدان سید حسن نصرالله فرمودند که «ما همه در شهادت سید عزیز، مصیبت‌زده و عزاداریم. این، فقدان بزرگی است و جداً ما را عزادار کرد. البته عزاداری ما به معنی افسردگی و پریشانی و نومیدی نیست؛ از جنس عزاداری برای سیدالشهدا حسین‌بن‌علی (علیهما السلام) است؛ زنده‌کننده، و درس‌دهنده، و انگیزه‌بخش، و امیدآفرین است».

ایشان در بخشی دیگر از خطبه خود تاکید کردند پیام شهادت مبارزان اسلام این است که «با از دست دادن شخصیت‌های برجسته‌ای چون امام موسی صدر و سیدعباس موسوی و دیگران، ناامید و پریشان نشوید؛ در مسیر مبارزه تردید نکنید». بدین ترتیب، اندوه ناشی از شهادت مبارزان نشانه شکست نیست بلکه نویدبخش ادامه مبارزه است. ایشان تاکید دارند که «ترور و تخریب و بمباران و کشتار غیر نظامیان و داغدار کردن غیر مسلحین را نشانه‌ی پیروزی خود قلمداد میکند» در حالی که در حقیقت چنین نیست. در این فراز نیز شکست ظاهری جبهه مقاومت به حاشیه رانده شده است.

بررسی سخنرانی‌های سه رهبر منطقه نشان داد که هیچ‌یک از این سه رهبر در راستای حاشیه‌رانی نکات منفی خود سخنی نگفته‌اند. تنها مورد، انتقاد بشار اسد از بی‌عملی کشورهای عربی در برابر جنایات اسرائیل است که راه را برای ادامه این جنایات باز گذاشته است. واضح است که این نقد خطاب به سران جبهه مقاومت نیست و در چارچوب بحث ما نمی‌گنجد.

حاشیه‌رانی نکات مثبت دیگری: در نظام گفتمانی خطبهٔ جمعهٔ نصر نکات مثبت دیگری

به حاشیه رانده شده است؛ به بیان دقیق‌تر، رهبر انقلاب آنچه را رژیم صهیونیستی پیروزی خود قلمداد می‌کند به حاشیه برده و این موارد را در حقیقت نشانه زبونی و شکست این رژیم دانسته‌اند و تاکید کرده‌اند که «محصول این رفتار، تراکم خشم و افزایش انگیزه‌ی مردم و سر برآوردن مردان و سرداران و رهبران و از جان‌گذشتگان بیشتر، و تنگ‌تر شدن حلقه‌ی

محاصره‌ی گرگ خون‌آشام، و سرانجام، حذف وجود ننگین او از صحنه‌ی وجود است، ان‌شاءالله».

ایشان در بخش دیگر از خطبه خود تاکید کرده‌اند که صهیونیست‌ها از حملات خود به جبهه مقاومت به هیچ توفیقی دست نیافته‌اند و «تنها هنرشان بمباران خانه‌ها و مدرسه‌ها و بیمارستان‌ها و مراکز جمعیتی غیر مسلحین بوده است». این بخش از بیانات رهبری هم در راستای حاشیه‌رانی نکات مثبت دیگری است.

بررسی سخنرانی‌های سه رهبر منطقه نشان داد که هیچ‌یک از این سه رهبر در راستای حاشیه‌رانی نکات مثبت دیگری سخنی نگفته‌اند. تنها مورد، انتقاد اردوغان از بی‌عملی نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های مدعی دفاع از حقوق بشر در برابر جنایات اسرائیل است که راه را برای ادامه این جنایات باز گذاشته است. واضح است که این نقد نیز خطاب به سران جبهه مقاومت نیست و در چارچوب بحث ما نمی‌گنجد.

۳-۲- رو ساخت خطبه عربی جمعه نصر

گفتمان خطبه عربی جمعه نصر که صرفاً برای برجسته‌سازی شخصیت سید حسن نصرالله و جبهه مقاومت و انقلاب اسلامی خلق می‌شود در سطوح زیرین، حاوی مؤلفه‌های گفتمان‌مدار است. خلق چنین آثاری، امری است مشکل که نیاز است خالق آن اثر در خصوص جنبه‌های کاربردی-زبانی مهارت کافی داشته باشد. با تحقق این مهم، مخاطب بهتر می‌تواند با ارزش‌های ملی، همذات‌پنداری نماید. سطح زیرین گفتمان شامل سطوح مختلفی است که در ادامه به هر یک از آن‌ها با مصادیقی از خطبه عربی مورد بحث اشاره می‌شود.

معنی

معنی همواره از طریق زبان که متشکل از نظام دال و مدلول است، بازنمایی می‌شود؛ بنابراین باید شبکه پیچیده دال و مدلول‌ها کشف شود تا ایدئولوژی نهفته در ورای ظاهر طبیعی معنی، آشکار گردد. معنی به‌عنوان پایه و اساس ایدئولوژی مطرح است؛ زیرا ایدئولوژی می‌تواند در هر نقطه از گفتمان خود را نشان دهد، اما محتوای این ایدئولوژی به‌صورت مستقیم در معنی پدیدار می‌گردد (وندایک، ۲۰۰۶: ۱۲۸). معنی می‌تواند در جنبه‌های گوناگونی از متن جلوه یابد؛ از آن‌جمله: عنوان، پیش‌انگاره، دگرگویی، تقابل و غیره.

عنوان: یکی از اجزای مهم متن است که در بازنمایی معنای متن تأثیر دارد. عنوان آینه‌ای است برای انعکاس معنی نهفته متن که به بازنمایی امور پنهان و ایدئولوژی حاکم بر گفتمان متن می‌پردازد (حسانین، ۲۰۲۲: ۷۱۷). عنوان خطبه‌های سیاسی رهبر انقلاب، چارچوبی نمادین از دال مرکزی را به مخاطب عرضه می‌کند و باعث شکل‌گیری تصویر ذهنی مخاطب از دنیای آن خطبه می‌گردد.

در ارتباط با عنوان جمعه نصر باید گفت که حضور رهبر معظم انقلاب اسلامی پس از عملیات غرورانگیز وعده صادق ۲ در مصلاي امام خمینی (ره) تهران و ارائه بیانات روشن‌گر و راهبردی، نماد اقتدار، عزت و قدرت ملت ایران است. همچنین ادعای معظم الله در مورد موفقیت مجاهدین علیه رژیم صهیونیستی اهمیت طوفان الاقصی و مقاومت پایدار غزه و لبنان را برجسته می‌کند. یادبود علامه سید حسن نصرالله با حضور امام خامنه‌ای و دیگر مقامات، بر اهمیت جبهه مقاومت و هویت لبنانی در مبارزه با صهیونیسم تأکید کرد.

میزان جزئیات: با تحلیل جزئیات گفتمان خطبه عربی مورد بحث، عناصر اجتماعی، ایدئولوژیکی و فرهنگی آن درک می‌شود و لایه‌های زبان کشف می‌گردد. ون‌دایک معتقد است برای هژمونی باید میزان جزئیات دال‌های مرکزی و شناور به شکل قابل‌قبولی برای مخاطب ارائه گردد (ون‌دایک، ۲۰۰۶: ۱۲۲). در مقاطع مختلف این خطبه با انتخاب جزئیات خاص و با استفاده از برخی روابط معنایی در سطح واژگان به عنوان ابزار زبانی، نوعی برجستگی و جذابیت مفهومی ایجاد می‌شود و سعی بر آن است تا معنا به صورت واضح‌تر به مخاطب القا شود. به عنوان مثال رهبر انقلاب در توصیف سید حسن نصرالله از این توصیفات جزئی استفاده می‌کند:

«أخى وعزیزى ومَبْعَثُ افْتِخَارِى والشَّخْصِیَّةُ المَحْبُوبَةُ فى العَالَمِ الإسلامِی، واللِّسانُ البَلِیغُ لشُعُوبِ المَنْطَقَةِ، وَدُرَّةُ لُبَّانِ السَّاطِعَةِ، سَمَاحَةُ السَّیِّدِ حَسَنِ نَصْرالله، رضوان الله تعالى علیه»؛ ترجمه: برادرم و عزیزم و مایه فخرم، چهره محبوب دنیای اسلام، و زبان گویای ملت‌های منطقه، گوهر درخشان لبنان، جناب سیدحسن نصرالله که خدا از او راضی باد.

تعبیر فوق در راستای برجسته‌سازی شخصیت سید حسن نصرالله به کار رفته است؛ بنابراین در توصیف یک سوژه از جزئیات مختلفی استفاده شده است. این توصیفات

جزئی‌ترین ویژگی‌های فردی وی را شامل شده و به عمومی‌ترین ویژگی‌ها که در راستای تثبیت آن در جهان اسلام است اشاره دارد.

دگرگویی: دگرگویی رابطه مفهومی میان واژگانی اطلاق می‌شود که در یک متن، پیام‌رسانی یکسانی دارند، ولی در ساختار، کاملاً با هم متفاوت هستند. تولیدکننده گفتمان تلاش می‌کند از واژگان و ساختارهای هم‌معنی و مترادف با برخی از واژگان کلیدی گفتمان استفاده نماید (ون‌دایک، ۲۰۰۲: ۸۹) و این امر زمانی محقق می‌شود که بتوان به‌جای جزء یا اجزایی از یک زنجیره زبانی، جزء یا اجزای دیگری نهاد، بی‌آنکه معنی زنجیره تغییر یابد (لیونز، ۱۹۹۵: ۶۴). این واژگان به‌ظاهر متفاوت می‌تواند تأثیر متفاوتی در پیشبرد گفتمان داشته باشد. از آن‌جاکه واژه‌های هم‌معنی به‌لحاظ عاطفی و شناختی با هم تفاوت دارند؛ لذا یافتن این‌چنین واژگانی مهارت و دقت خاصی می‌طلبد. در خطبه عربی موردبحث، دگرگویی‌های واژگانی مشهود است؛ اما هر یک از آن‌ها با کسب مشخصه معنایی تمایزدهنده، به جدایی از دیگری می‌گراید. این کارکرد واژگانی به‌صورت عامدانه از جانب تولیدکننده گفتمان رخ می‌دهد؛ لذا هیچ دو واژه‌ای را نمی‌توان در آن‌ها یافت که در بافت زبانی خطبه بتوانند به‌طور کامل به‌جای یکدیگر به‌کار روند و تغییری در معنی آن زنجیره پدید نیاید. مثلاً در این عبارت: «أَنْ عَزَاءَنَا لَا يَعْنِي الْاَلْكَتَابَ وَالْيَأْسَ وَالْاضْطْرَابَ، بَلْ هُوَ مِنْ سِنْخِ عَزَائِنَا عَلَي سَيِّدِ الشَّهْدَاءِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ» به سه ویژگی روانی که دال بر ضعف و سستی فرد است اشاره شده است. از آن‌جا که این واژگان با واو عطف در کنار همدیگر قرار گرفتند به این نکته اشاره دارد که حوزه معنایی هر سه واژه، بر محور یک معنا یعنی ضعف و سستی انسان می‌چرخد. اما این واژگان با همدیگر تفاوت‌های معنایی اساسی نیز دارد. افسردگی (الاکتئاب)، ناامیدی (اليأس) و ترس (الاضطراب) سه حالت روحی متفاوتند. افسردگی معمولاً شامل احساس تاریکی، فقدان انرژی و دلگیری است که می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی باشد. ناامیدی به معنای عدم امید به بهبود وضعیت و احساس یأس نسبت به آینده است. این حالت زمانی به وجود می‌آید که فرد به هدف‌ها و آرزوهای خود نتواند دست یابد. از طرف دیگر، ترس یک احساس پاسخ‌دهی به تهدیدات است و بیشتر به مسائل خاصی مرتبط می‌شود، مثل ترس از خطر یا آسیب. به طور کلی، افسردگی می‌تواند به ناامیدی منجر شود، ولی ترس معمولاً مستقل از این دو حالت است. به همین جهت است که رهبر انقلاب در این فراز از خطبه

تأکید می‌فرمایند که شهادت سید حسن نصرالله باعث ضعف و سستی (افسردگی، ناامیدی و ترس) امت اسلامی نخواهد شد؛ بلکه اراده آن‌ها را قوی‌تر می‌کند و آن‌ها را برای مقابله و انتقام خون سید جسورتر می‌سازد.

تقابل: تقابل از پیوندهای معنایی میان واژگان است که در بُعد واژگانی در حوزه مطالعات دستور زبان قرار می‌گیرد. این پدیده زبانی به کنارهم آمدن واژگانی گفته می‌شود که کلیه مشخصه‌های آن‌ها به‌جز یک مشخصه، یکسان باشد یا فقط در یک مشخصه اختلاف داشته باشد (فالک، ۱۳۷۷: ۳۵۵)؛ بنابراین نوعی گره‌خوردگی زبانی در دو سوی ترکیبی که همدیگر را از نظر مفهومی به یک اندازه نقض می‌کنند (مویک، ۲۰۰۱: ۱۱۳) رخ می‌دهد. تولیدکننده گفتمان برای ساخت معنا از این خصیصه زبانی در راستای تقویت گفتمان استفاده می‌کند. هرچه دایره واژگانی وی قوی‌تر باشد، کنارهم آوردن تقابل‌های معنایی برایش آسان‌تر است. در خطبه عربی جمعه نصر از این ویژگی گفتمانی استفاده شده است:

«أَنْ عَزَّائِنَا لَا يَعْنِي الْاَكْتِثَابُ وَالْيَأْسُ وَالْاضْطِرَابُ، بَلْ هُوَ مِنْ سِنَخِ عَزَائِنَا عَلَي سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِي عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ يَبْعَثُ الْحَيَاةَ، وَيُلْهِمُ الدَّرُوسَ، وَيُوْقِدُ الْعَزَائِمَ، وَيُضَخُّ الْأَمَالَ»؛ ترجمه: عزاداری ما به معنی افسردگی و ناامیدی و اضطراب نیست؛ از جنس عزاداری برای سیدالشهدا حسین بن علی (علیهما السلام) است؛ زنده‌کننده، و درس‌دهنده، و انگیزه‌بخش، و امیدآفرین است. در این فراز «افسردگی، ناامیدی و اضطراب» در مقابل «زنده‌کننده، درس‌دهنده، انگیزه‌بخش، و امیدآفرین» قرار گرفته است.

تعمیم‌دادن: گفتمان غالباً شکل خاصی از تعمیم است که تولیدکننده گفتمان را قادر می‌سازد تا باورهایش را درباره خود و دیگری عمومیت بخشیده و در سطح گسترده‌ای بیان کند تا بدین ترتیب تعداد بیشتری را با خود همراه سازد (ون‌دایک، ۲۰۰۳: ۷۱). در خطبه عربی جمعه نصر از واژگان و ساختار زبانی خاصی همچون کل، ال استغراق و ضمیر مع‌الغیر نحن/نا برای برجسته‌سازی نکات مثبت خود استفاده می‌شود. به‌عنوان مثال استفاده از «ال» استغراق در این عبارت «نحن الایرانیون قَدْ عَرَفْنَا مِنْذُ زَمَنِ بَعِيدٍ لِبَنَاتٍ وَفَضَائِلُهُ» که به تمامی ایرانیان به‌طور کامل اشاره دارد و بیانگر وحدت و انسجام ملی میان ایرانیان نسبت به اجرای فرمایشات رهبر انقلاب است. نکته مهمی که در این خطبه مشهود است این است که «ال» استغراق در توصیف و برجسته‌سازی نکات مثبت «خود» به کار رفته و برای نیروی «دیگری»

که دشمن و در رأس آن اشغالگران صهیونیست را شامل می‌شود، به هیچ عنوان از «ال» استغراق استفاده نشده است؛ تا این رژیم حالت عمومی و گسترده پیدا نکرده و دچار تشتت و پراکندگی باشد. استفاده از واژه «کل» در این عبارت نیز «هذا الواقعُ یبینُ لنا أن کلَّ ضربهٍ یُنزلُها اى شخصٍ وأیةُ مجموعهٍ بهذا الکیان، إنما هی خدمةٌ للمَنطَقةِ بأجمعها، بل لكلِّ الإنسانِیةِ»؛ {ترجمه: این واقعیت به ما تفهیم می‌کند که هر ضربه به رژیم از سوی هر کس و هر مجموعه، خدمت به کل منطقه و بلکه به کل انسانیت است.} بیانگر گستردگی و عمومیت ضربه زدن به رژیم اشغالگر و همچنین تعمیم این کار به تمامی انسانیت است. امری که در فرمایشات رهبری بر آن تأکید می‌شود این است که مقاومت و مقابله با دشمن، وظیفه همه مسلمانان است؛ لذا واژه «کل» مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ایجاد فاصله: در گفت‌وگوها، مفهوم قدرت و همبستگی سبب پیدایش فاصله یا حذف آن می‌شود؛ بدین شکل که هرچه میزان قدرت میان پیام‌رسان و پیام‌گیر بیشتر باشد، فاصله میان آن دو نیز بیشتر خواهد شد و هرچه از قدرت کاسته شود و همبستگی میان این دو بیشتر شود، از فاصله موجود کاسته می‌شود (والکر، ۲۰۱۱: ۳۶۲). ون‌دایک معتقد است تولیدکننده گفت‌وگو برای ایجاد فاصله بین برخی از قطب‌ها نسبت به برخی دیگر از تکنیک‌های زبانی خاصی استفاده می‌کند که نشانگر وجود فاصله میان ما و دیگری است (ون‌دایک، ۲۰۰۶: ۱۱۹). در زبان عربی استفاده از ضمائر به جای اسم و همچنین استفاده از واژگان توصیفی برای بیان دال‌ها، از جمله ابزارهای شناختی - اجتماعی در معرفی قطب ما و دیگری است. این مسأله در خطبه عربی مشهود است؛ به عنوان مثال در عبارت «یا أهلنا المقاومین فی لبنان وفلسطین! أیها المناضلون الشجعان! أیها الشعبُ الصبورُ الوفی! هذه الشهادات، وهذه الدماءُ المَسفُوكَةُ، لا تُزعزعُ عَزیمَتَکُم، بل تُزیدُکُم ثباتاً»؛ {ترجمه: مردم مقاوم لبنان و فلسطین! مبارزان شجاع و مردم صبور و قدرشناس! این شهادت‌ها، این خون‌های بر زمین ریخته، نهضت شما را سست نمی‌کند، [بلکه] استوارتر می‌کند} از واژگان توصیفی اهل مقاومت، اهل مبارزه، شجاع، ملت شکیبا، ملت وفادار برای اشاره به دال مرکزی (مردم لبنان) استفاده شده و قرارگرفتن این وصف‌ها در کنار «نا» به معنای «ما» بر قطب‌بندی نظام گفت‌وگویی این فراز تأکید می‌کند.

پیش‌انگاره: گاه تولیدکننده گفتمان منظور خود را به‌صراحت به مخاطب انتقال نمی‌دهد؛ بلکه از ساختارهایی استفاده می‌کند که پیش‌انگاره‌ای از پیام به مخاطب القا می‌گردد. علت استفاده از این ساختار زبانی در این است که فاصله اجتماعی میان پیام‌رسان و پیام‌گیر، ایجاب می‌کند که پیام‌رسان منظور خود را با ابهام و غیرمستقیم بیان کند. در خطبه‌های سیاسی رهبر انقلاب و به‌ویژه خطبه عربی مورد بحث موضع رهبر انقلاب در برابر رژیم صهیونیستی کاملاً مشخص و صریح است. ایشان رژیم صهیونیستی را به عنوان یک دشمن اصلی تلقی کرده و بر لزوم مبارزه با آن تأکید دارد. این موضع به عنوان یکی از ارکان اصلی سیاست‌های معظم له شناخته می‌شود، و ایشان بارها بر زوال این رژیم تأکید کرده‌اند. علاوه بر این، این مبارزه به عنوان بخشی از اصول انقلاب اسلامی به شمار می‌آید و به شدت با حمایت از گروه‌های مقاومت در فلسطین پیوند خورده است. به همین جهت در خطبه عربی جمعه نصر از ساختار گفتمانی پیش‌انگاره استفاده‌ای نشده است و خطبه صرفاً بر پایه صریح‌گویی طرح‌ریزی شده است.

۳-۳ ساخت گزاره‌ای

تحلیلگر گفتمان انتقادی به دنبال یافتن رابطه میان ساختارهای زبانی و ایدئولوژی پنهان ورای گفتمان است تا کشف کند که چگونه کارکردهای اجتماعی لایه‌های زیرین گفتمان در لایه‌های زبرین بازنمایی می‌شوند. به عقیده ون‌دایک یکی از این راه‌ها، شناخت ساختار گزاره‌ای گفتمان و اجزای آن، یعنی موضوع و محمول است (ون‌دایک، ۲۰۰۶: ۱۳۰). منظور از موضوع هر آن چیزی است که درباره حالات و ویژگی‌های آن سخن گفته می‌شود و منظور از محمول بخشی از کلام است که به موضوع اسناد داده می‌شود (محمد، ۲۰۲۱: ۱۱). با پیوند معنایی موضوع و محمول در نظام گفتمانی، ایدئولوژی به‌عنوان نگرشی فراگیر معرفی می‌شود که دربرگیرنده شناخت اجتماعی است؛ یعنی بازنمودها و نگرش‌های مرتبط با برخی جوانب جهان اجتماعی (ون‌دایک، ۱۹۹۳: ۲۵۸). موضوع و محمول در خطبه عربی رهبر انقلاب در جهت بازتولید ایدئولوژی مقاومت و انقلاب است؛ به‌عنوان مثال:

موضوع: مقاومت و شهادت؛ محمول: «حزب الله والسید الشهدی بدفاعهم عن غَزَةٍ، وجهادهم من أجل المسجد الأقصى، وإنزالهم الضربة بالکیان الغاصب والظالم، قد خطوا خطوة»

فی سبیل خدمه مصیریّه للمَنتَقَه بِأَکْمَلِهَا، والعالم الإسلامی کله؛ ترجمه: حزب الله و سید شهید با دفاع از غزه و جهاد برای مسجدالاقصی و ضربه به رژیم غاصب و ظالم، در راه خدمتی حیاتی به همه منطقه و همه دنیای اسلام گام برداشتند.

موضوع: حمایت آمریکا از اسرائیل؛ محمول: «إنّ ترکیزَ آمریکا وأذرعِها علی حفظِ أَمَنِ الْکِیَانِ الغاصبِ لیسَ سوی غطاءً لسیاستِهم المُتبدّدهُ القاضیهُ بتحویلِ الْکِیَانِ إلی أداهٍ للاستِحواذِ علی جمیعِ المواردِ الطبیعیّه لهذه المنطقه واستثمارِها فی الصراعاتِ العالمیه الْکُبْری»؛ ترجمه: تکیه آمریکا و همدستانش بر حفظ امنیت رژیم غاصب، پوششی برای سیاست مهلک تبدیل رژیم به ابزار آنان برای در اختیار گرفتن همه منابع این منطقه و استفاده از آن در درگیری‌های بزرگ جهانی است.

۳-۴ ساخت صوری

تحلیل متون کتبی و شفاهی به مخاطب این امکان را می‌دهد تا بیشتر و بهتر پنهان‌کاری‌های ادبی و لایه‌های زیرین زبان ادبی آن را دریابد. ون‌دایک گفتمان را شکلی از کاربرد زبان، مثلاً در یک سخنرانی یا حتی به طور کلی‌تر، زبان گفتاری یا شیوه سخن گفتن می‌داند و بر این باور است که نقش گفتمان تنها بیان ایدئولوژی نیست؛ بلکه گفتمان در بازتولید ایدئولوژی‌ها نقش اساسی دارد (ون‌دایک، ۱۹۹۸: ۲۲). او معتقد است تولیدکننده گفتمان از واژگان و صورت‌هایی استفاده می‌کند که به‌طور مستقیم به ایدئولوژی نهفته گفتمان اشاره می‌کند (ون‌دایک، ۲۰۰۲: ۹۲). در خطبه عربی موردبحث، تکرار برخی واژگان و یا برجسته‌سازی آن به‌وسیله قیدهای تأکیدی یا ادوات استثناء از جمله این ساخت‌های صوری است. به‌عنوان مثال:

«أعزائی، یا شعبَ لبنانَ الوفی، یا شبابَ حزبِ الله وحرکه أملِ الْمُفَعَمَ بالحماسه! یا أبنائی، هذا أیضاً طلبُ سیدنا الشَهِیدِ الیوم من شعبه وجبهه المقاومة والأمة الإسلامیه جمعاء.. أیها الأعزّه، القلوبُ المفجوعه تستلهمُ السکینه بذكر الله وطلب النصره منه. الدمارُ سیعوض، وصبرُکم وثباتُکم سیثمرُ عزّه وکرامه»؛ ترجمه: عزیزان من! ملت باوفای لبنان! جوانان پُرشور حزب‌الله و امل! فرزندان من! امروز هم خواسته سید شهید ما از ملتش، و از جبهه مقاومت، و از همه امت اسلامی همین است. عزیزان! دل‌های داغدار با یاد خدا و طلب نصرت از او

آرامش می‌یابد؛ ویرانی‌ها ترمیم می‌شود، و صبر و استقامت شما عزت و کرامت به بار می‌آورد.

در ساختار کلام فوق از چندین قید تأکیدی برای توصیف مردم لبنان استفاده شده است. تعبیر آن‌ها به عزیزان و فرزندان رهبر انقلاب، افراد وفادار، افرادی که مملو از آرزو و حماسه هستند برای نزدیک کردن گوینده به مخاطب است. لحن صمیمانه چند ویژگی دارد که در این فراز از خطبه رهبری مشهود است. تکرار واژگان و عبارات محترمانه مانند «الأعزّة»، «أعزائي» و «أحبائي»؛ استفاده از حرف ندای نزدیک «یا»؛ استفاده از ضمائر مخاطب «أنت، أنتم، ک، کُم» و همچنین نسبت دادن ایدئولوژی خود به سید حسن نصرالله.

۳-۵ نحو جمله

منظور از نحو جمله، ساختارهای زبانشناختی است که تغییر و تبدیلاتشان به صورت دیگر در گفته یا متن، باعث می‌شود از گفته برداشت‌های متفاوتی شود، مطلبی پوشیده و مبهم شود یا برعکس، متن صراحت بیشتری یابد. مثلاً میان دو جمله: فرزندان توسط والدین تربیت می‌شوند (مجهول)؛ والدین، فرزندان را تربیت می‌کنند (معلوم) تفاوت نحوی وجود دارد. در جمله اول فرزندان حکم آغازه دارد و بنابراین موضوع سخن قرار گرفته؛ حال آن‌که در جمله دوم والدین در مرکز توجه قرار دارد. تغییر نحو جمله و انتخاب یکی از دو کنشگر عامل یا پذیرنده، می‌تواند دیدگاه متفاوتی را منعکس نماید؛ بنابراین انتخاب کنش مجهول در مقابل معلوم یا بالعکس، ساختاری گفتمان‌مدار به حساب می‌آید. در بخش‌هایی از خطبه عربی هر یک از عامل و پذیرنده به‌عنوان مشارکین عمل در ساختارهای نحوی متفاوت بازنمایانده می‌شود.

رهبر انقلاب برای بیان تثبیت مفهوم حزب‌الله و منشأ خیر و برکت بودن آن، از ساختار جمله اسمیه استفاده می‌کند: «حزب الله هو حقا شجرة طيبة، حزب الله وقائده الشهيد البطل هو عصارة فضائل لبنان في تاريخه وهويته»؛ ترجمه: حزب‌الله حقا همان درخت پاک است، حزب‌الله و رهبر قهرمان و شهید آن، عصارة فضائل تاریخی و هویتی لبنانند. این در حالی است که می‌توانست در جمله اول و دوم از ساختار فعلیه استفاده شود و یا اینکه ترتیب جمله

اسمیه به هم بریزد؛ اما تأکید بر استفاده از جمله اسمیه برای تثبیت ایدئولوژی حزب الله و آرمان‌های رهبر آن است.

در فرازی دیگر رهبر انقلاب به جای امر مستقیم از ساختارهای زبانی غیرمستقیم که می‌توان از آن معنای امر را نیز برداشت کرد، استفاده می‌نماید. «أَلَا يَسْأُرُكُمْ يَأْسٌ وَاضْطِرَابٌ بِغِيَابِ شَخْصِيَّاتٍ بَارِزَةٍ مِثْلِ الْإِمَامِ مُوسَى الصِّدْرِ وَالسَّيِّدِ عَبَّاسِ الْمُوسَوِيِّ، وَأَلَا يَصِيبُكُمْ تَرْدِيدٌ فِي مَسِيرَةِ نَضَالِكُمْ»؛ ترجمه: با از دست دادن شخصیت‌های برجسته‌ای چون امام موسی صدر و سیدعباس موسوی و دیگران، نباید ناامید و پریشان شوید و نباید در مسیر مبارزه تردید کنید.

۳-۶ صورت‌های گفتمان

قرارگیری واژگان در محور همنشینی گفتمان باعث شکل‌گیری صورت‌های گفتمان است. این طرز همنشینی واژگان از نظر ایدئولوژیک، طرحی خاص به متن می‌دهد. از آن‌جاکه زبان گونه‌ای از زنجیره کلام است که در آن واحدهای زبانی طبق قانون‌مندی خاصی در کنار هم قرار می‌گیرند تا پیامی را به مخاطب انتقال دهند (مفتاح، ۲۰۰۰: ۷۰)؛ لذا اجزای گزاره‌های زبان می‌توانند در جمله جابجا شوند و این جابجایی ممکن است در راستای انتقال ایدئولوژی خاص باشد (ون دایک، ۲۰۰۶: ۱۳۲). در خطبه عربی کنار هم قرارگرفتن واژگان خاص سبب شده اجزای کلام با یکدیگر هم‌نشین شوند و معنایی ویژه به همراه داشته باشند. به‌عنوان مثال همنشینی واژگان «مقاومت، مبارزه، شجاع، صبور، وفادار، شهادت، خون، عزم و ثبات» نشان می‌دهد که سخنان رهبری دارای جهان‌بینی وسیعی است و در پی القای آرامش و دلگرمی به ملتی است که عمری در برابر دشمن خونخوار مقاومت می‌کند: «يَا أَهْلَنَا الْمُقَاوِمِينَ فِي لَبْنَانَ وَفِلَسْطِينَ! أَيُّهَا الْمُنَاضِلُونَ الشُّجْعَانُ! أَيُّهَا الشُّعْبُ الصَّبُورُ الْوَفِيُّ! هَذِهِ الشَّهَادَاتُ، وَهَذِهِ الدَّمَاءُ الْمَسْفُوكَةُ، لَا تُزْعِزُ عَزِيْمَتَكُمْ، بَلْ تَزِيدُكُمْ ثَبَاتًا»؛ ترجمه: مردم مقاوم لبنان و فلسطین! مبارزان شجاع و مردم صبور و قدرشناس! این شهادت‌ها، این خون‌های بر زمین ریخته، نهضت شما را سست نمی‌کند، [بلکه] استوارتر می‌کند.

۳-۷ استدلال

تولیدکننده گفتمان سعی می‌کند سخنان خود را با استناد به دلایل کافی و شواهد تاریخی، استحکام بخشد تا با این راهکار بتواند قدرت و ایدئولوژی خود را هژمونی سازد (ون دایک، ۲۰۰۶، ص. ۱۳۳). رهبر انقلاب برای تثبیت ایدئولوژی مقاومت و انقلاب و همچنین تثبیت تباهی و ویرانی رژیم صهیونیستی به آیات قرآنی استناد می‌نماید و قرآن را به عنوان محور استدلال سخنانشان مورد استفاده قرار می‌دهند. به عنوان مثال رهبری و نظارت طولانی مدت سید حسن نصرالله بر حزب‌الله و همچنین مستقل بودن آن‌ها را به این آیه قرآن استناد می‌دهد که این رفتار حزب‌الله مانند گیاهی است که جوانه برآورده و بزرگ شده و بر روی ساقه‌اش می‌ایستد و رشد و بالندگی آن مایه تعجب دهقان می‌شود و کفار نیز از این بالندگی به خشم می‌آیند. در ادامه نیز از تعبیر قرآنی «شجره طيبة» استفاده نموده که هر دم به فرمان خداوند ثمر می‌دهد: «لَقَدْ كَانَ السَّيِّدُ الْعَزِيزُ طَوَالَ ثَلَاثِينَ عَامًا عَلَى رَأْسِ كِفَاحٍ شَاقٍ، وَارْتَقَى بِحِزْبِ اللَّهِ خُطُوَةً بِخُطُوَةٍ: كَزَرَاعٍ أَخْرَجَ شَطَأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سَوْقِهِ يُعْجِبُ الزَّارِعَ لِيُغِظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا. بتدبیر السید نما حزب الله مرحله به مرحله، بصبر و بنحو منطقی و طبیعی، و أبرز آثاره الوجودیه امام أعدائه فی المراحل المختلفه عبر دحر العدو الصهيونی تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بَاذِنَ رَبِّهَا»؛ ترجمه: سید عزیز، سی سال در رأس مبارزه‌ای دشوار قرار داشت؛ حزب‌الله را قدم به قدم بالا آورد: چون کشته‌ای که جوانه‌ی خود برآورد و آن را مایه دهد تا ستر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد، تا از [انبوهی] آنان [حدا] کافران را به خشم دراندازد. خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است. با تدبیر سید، حزب‌الله مرحله به مرحله و صبورانه و منطقی و طبیعی رشد کرد و آثار وجودی خود را در مقاطع گوناگون در عقب نشاندن رژیم صهیونی، به رخ دشمنانش کشید: میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش می‌دهد.

۳- بحث و نتیجه‌گیری

دست‌آورد عمده پژوهش جاری، نمایان شدن هماهنگی میان مولفه‌های گفتمانی خطبه نصر در زیرساخت و روساخت این خطبه بر اساس چارچوب تحلیل گفتمان ون دایک است. در

پاسخ به پرسش نخست این پژوهش می‌توان گفت که در زیرساخت گفتمانی این خطبه، تفوق و حقانیت محور مقاومت برجسته شده و شهادت مبارزان این جبهه زمینه‌ساز پیروزی نهایی محور مقاومت دانسته شده است، تبلیغات صهیونیست‌ها در مورد دستاوردهای نظامی خود نیز حاشیه‌رانی شده و بر زوال و اضمحلال قطعی رژیم صهیونیستی تأکید شده است.

از سوی دیگر، در ارتباط با روساخت گفتمانی در چارچوب نظری ون‌دایک، خطبه نصر و تکنیک‌ها و ظرافت‌های زبانی به‌کاررفته در آن در راستای برجسته‌سازی گفتمان محور مقاومت و به ویژه رهبر فقید مقاومت لبنان، سید حسن نصرالله، بوده و به حاشیه‌رانی موضع رژیم صهیونیستی و ترسیم ضعف و تزلزل این رژیم کمک کرده است. با این وصف، به نظر می‌رسد که چارچوب ون‌دایک را به نحوی موثر می‌توان در تحلیل روساخت و زیرساخت دیگر خطبه‌ها و سخنرانی‌های رهبران سیاسی به ویژه خطبه‌های مقام معظم رهبری به کار گرفت.

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش می‌توان گفت که معنی به‌عنوان پایه ایدئولوژی در این خطبه مطرح است و به واسطه مؤلفه‌های گفتمان‌مدار متعددی عرضه می‌شود. عنوان، نخستین مؤلفه‌ای است که چارچوبی نمادین از دال مرکزی خطبه را در راستای برجسته‌سازی سید حسن نصرالله و جبهه مقاومت به مخاطب عرضه می‌کند و باعث شکل‌گیری تصویر ذهنی مخاطب از دنیای متن می‌گردد. همچنین با استفاده از برخی روابط معنایی در سطح واژگان، معنی به‌صورت واضح‌تر به مخاطب القا می‌شود. برای تحقق این مهم شگرد دگرگویی و تقابل معنایی به‌کار گرفته شده است. این دو گرد با کسب مشخصه معنایی تمایزدهنده و غرابت‌بخش به نظام گفتمان، به جدایی برخی از واژگان از دیگری می‌گراید و باعث می‌شود رهبر انقلاب برای ایجاد فاصله بین برخی از قطب‌ها نسبت به برخی دیگر و برای تأکید ویژگی‌های مثبت خود در برابر ویژگی‌های منفی دیگری، از ابزارهای زبانی همچون ضمائر، تعمیم‌دهنده‌ها، تکرار و تقدیم و تأخیر واژگانی بهره ببرد.

رهبر انقلاب در فرازهایی از این خطبه، هریک از عامل و پذیرنده را در ساختارهای نحوی متفاوت بازنمایانده است. این تنوع ساختاری نشان‌دهنده مهارت ایشان در استفاده از گنجایش و توانمندی زبان برای برجسته‌سازی قطب «خود» است و چیرگی در این فن به سلامت ذوق و مهارت ایشان اشاره دارد. همچنین قرارگیری واژگان در محور همنشینی

گفتمان خطبه باعث شکل‌گیری صورت‌های گفتمانی می‌شود که دربردارنده جهان‌بینی رهبر انقلاب است.

در پاسخ به پرسش سوم پژوهش، به رغم همسویی رهبران منطقه با مواضع رهبر انقلاب درباره تحولات منطقه، چشم‌انداز روشن و امیدبخش خطبه نصر در سخنرانی هیچ‌یک از سه رهبر سیاسی منطقه دیده نمی‌شود و این مقامات سیاسی بر اساس لایه‌های مختلف گفتمانی و ن‌دایک نتوانسته‌اند پیروزی گفتمان مقاومت، تفوق جبهه مقاومت و ضعف و اضمحلال رژیم صهیونیستی را برجسته‌سازی و بازنمایی کنند.

منابع

۱. حسنین، م. (۲۰۲۲). «عتبات النص الشعری فی مجموعه حنجره زخمی تغزل للشاعر حسین منزوی: مقاربه سیمیائیة». *مجلة کلیة الآداب بقنا*. ش ۵۵، ۷۰۳-۷۶۰.
۲. زروندی، ج. رحمانی زروندی، ن. (۱۴۰۱). «ارائه الگو و تحلیل محتوای بیانات مقام معظم رهبری در باب سبک زندگی اسلامی». *قرآن و علوم اجتماعی*. دوره ۲، ش ۱، ۸۵-۱۰۴.
۳. طیرانی، م. س. سلطانی، ع. ا. ربیع، ع. (۱۳۹۸). «تحلیل خطبه شقیه با تکیه بر بافت شناسی اجتماعی- سیاسی، نظریه فراگفتمان و مبانی بلاغت». *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*. ش ۲۰، ۱۷۳-۱۹۲.
۴. فالک، ج. (۱۳۷۲). *زبان‌شناسی و زبان*. ترجمه: غلامعلی زاده، خسرو. چ ۲. مشهد: آستان قدس.
۵. محمد، ع. ج. (۲۰۲۱). *الحکم الشرعی عند الأصولیین*. ط ۳. القاهرة: دار الهدایة.
۶. معظمی گودرزی، محمدباقر (۱۴۰۳). «بررسی تاثیر خطبه های نماز جمعه بر تحولات سیاسی خارجی ایران». *آفاق علوم انسانی*. ش ۸۴، ۱-۱۷.
۷. مفتاح، م. (۲۰۰۰). *تحلیل الخطاب الشعری: إستراتيجية التناس*. ط ۳. بیروت: الدار البيضاء.
۸. مکدونیل، د. (۲۰۰۱). *مقدمه فی نظریات الخطاب*. ترجمه: عزالدین اسماعیل. ط ۱. القاهرة: المكتبة الأكاديمية.

۹. مویک، س. (۲۰۰۱). *المفارقة وصفاتها*. ترجمة: لؤلؤة، عبدالواحد. ط ۱. بيروت:

المؤسسة العربية للدراسات والنشر.

10. Falk, J. S. (1993). *Linguistics and language*. Translated by Khosrow Gholam Alizadeh, ch2. Mashhad: Astan Quds. (in Arabic)
11. Hassanin, M. F. (2022). "Thresholds of the text of the poem in the collection of poems of Ghanzal Taghzal by Hossein Manzavi: a semiotic study". *Journal of Beqna Faculty of Literature*. Issue 55, 703-760. (in Arabic)
12. Krippendorff, K. (2004). *Content Analysis: An Introduction to Its Methodology* (2nd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.
13. Lyon, J. (1995). *Introduction to Theoretical Linguistics*. Vol I. London: Cambridge University Press.
14. McDonnell, D. (2001). *An introduction to discourse theories*, Translated by Izzaldin Ismail. First edition. Cairo: Al-Academic Library. (in Arabic)
15. Miftah, M. (2000). *Analyzing poetic discourse: the strategy of intertextuality*. Third edition. Beirut: El Dar al-Bayda. (in Arabic)
16. Moazzami Guoudarzi, M. B. (2024). "Investigating the impact of Friday prayer sermons on Iran's foreign political developments". *Afaq Human Sciences*. Issue 84, 1-17. (in Persian)
17. Mohammad, A. J. (2021). *Sharia ruling according to fundamentalists*. Third edition. Cairo: Dar El Hidayah. (in Arabic)
18. Moyk, C. (2001). *Defamiliarization and its features*, Translated by Lolo Abdul Wahid. First edition. Beirut: Al-Arabaya Foundation for Studies and Publishing. (in Arabic)
19. Rogers, R. (2003). *An Introduction to Critical Discourse Analysis in Education*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
20. Tayrani, M. S. Soltani, A. A., & Rabi, A. (2018). "Analysis of the sermon of Shakshaqiyya based on socio-political histology, meta-discourse theory and the basics of rhetorics". *Journal of linguistics and Khorasan Dialects*. Issue 20, 173-192. (in Persian)
21. Van Dijk, T. A. (1998). *Opinions and Ideologies in the Press*. in *Approaches to Media Discourse*. (ed.) by Bell, A. and Peter Garrett, Oxford: Blackwell, 21-63.
22. Van Dijk, T. A. (2006). Ideology and Discourse Analysis. *Journal of Political Ideologies*. Volume 11, Issue 2, 115-140.
23. Van Dijk, T. A. (2002). *Principles of Critical Discourse Analysis: in Critical Discourse Analysis*, (ed.) M. Toolan, London: Routledge.

24. Van Dijk, T. A. (1993). *Discourse, power and access*. In: CR. Caldas (ed) studies in critical discourse analysis. London: Routledg.
25. Walker, V. (2011). Codeswitching as a power and solidarity strategy in the foreign language classroom: an analysis of language alternation strategies utilized in a Portuguese-English higher education class. *Innervate*. Issue 3, 362.363.
26. Zarvandi, J., & Rahmani Zarvandi, N. (2022). Presenting the model and analyzing the content of the Supreme Leader's statements about the Islamic lifestyle. *Journal of Quran and Social Studies*. Volume 2, Issue 1, 85-104. (in Persian)